



سیره ی دعوت نبوی از منظر فلسفه ی سیاسی

پدیدآورده (ها) : نوایی، علی اکبر

علوم اجتماعی :: پژوهش های اجتماعی اسلامی :: مهر و آبان 1386 - شماره 66
از 157 تا 184

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/162439>

دانلود شده توسط : مرکز مدیریت حوزه های علمیه-کتابخانه ایت الله بروجردی
تاریخ دانلود : 25/12/1394

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

سیره‌ی دعوت نبوی از منظر فلسفی سیاسی

علی اکبر نوایی



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

چکیده

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، با تبیین نظریات ملهم از وحی و با عمل فعال سیاسی خویش، بنیاد تفکر سیاسی و فلسفه‌ی سیاسی اسلام را پی‌ریزی نمود. آغاز تبیین فلسفه‌ی سیاسی اسلام را، که بعد در قالب فلسفه‌ی سیاسی منسجمی مطرح شد، باید در حیات نورانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جستجو نمود. فلسفه‌ی سیاسی، بر سه محور تمرکز دارد؛ قدرت، حکومت، جامعه. در این نوشتار به تبیین دیدگاه‌ها و اعمال سیاسی پیامبر صلی الله علیه و آله در حوزه‌های سه‌گانه پرداخته شده است.

در آغاز، ترابط فلسفه‌ی سیاسی با معرفت سیاسی توضیح داده شده و سپس معرفت پیامبر صلی الله علیه و آله از مقولات سه‌گانه‌ی مذکور مورد بحث قرار گرفته است.

در مقوله‌ی قدرت، پیامبر ﷺ از شکل‌های قدرت و نحوه‌ی کاربرد آن اطلاع دقیق دارد. فلسفه‌ی قدرت، در دعوت نبوی، فلسفه‌ی تعالی انسان و فلسفه‌ی خدمت به بشر است. قدرت، به دست گرفتن منابع سه‌گانه‌ی جمعیت، قدرت اقتصادی و قدرت نظامی است که تا اواخر عمر شریف پیامبر ﷺ، این منابع سه‌گانه در اختیار ایشان ﷺ قرار گرفتند. در فلسفه‌ی سیاسی پیامبر ﷺ، اطاعت از جایگاهی بلند برخوردار است و لذا آن را نهادینه ساخت و آن را ابزاری برای پاسخ به سه سؤال کلیدی قرار داد.

چه کسی قدرت را اعمال می‌کند؟ چگونه؟ و در چه راهی؟ این سه سؤال بنیادی را پیامبر ﷺ با عامل وحی و با جذب توده‌های مسلمان به خوبی پاسخ داد و فلسفه‌ی سیاسی روشنی را در تاریخ تنظیم نمود. به نفی قدرت‌های شیطانی اهتمام ورزید و با در دست گرفتن قدرت، آن را در راه حق هزینه کرد.

ویژگی‌های چندی، همچون امانت بودن، فلسفه‌ی اقامه‌ی حق، وسیله‌ای برای تثبیت مکارم اخلاق و ابزاری برای اصلاحات و وسیله‌ای برای رفع آلام محرومین و... از خصوصیات قدرت منزه‌اند.

مدل حکومتی پیامبر ﷺ، مدل حکومت قانون الهی با خواست مردمی است. فلسفه‌ی حکومتی پیامبر ﷺ، همچون دریایی بی‌کران است و دارای جستارهای کلیدی مهمی همچون پرتویی از حاکمیت الهی، فلسفه‌ی عدالت، حاکمیت حق و... از ارزش‌های نهادی و ذاتی حکومت‌اند.

جامعه در سنت نبوی، گروهی همکیش و همگرای پویاست و با خصوصیات همچون مشارکت فراگیر، همگامی با جماعت و سازنده‌ی سرنوشت خویش، ممتاز می‌شود. استراتژی دعوت پیامبر ﷺ در راستای تنظیم صورت تکامل یافته‌ی در مقولات سه‌گانه فوق است.

واژگان کلیدی: قدرت، حکومت، جامعه، حق، عدالت، مشارکت، جماعت، فلسفه‌ی سیاسی و استراتژی.

درآمدی بر موضوع

رسول گرامی اسلام ﷺ، با عمل سیاسی و نظریاتی که ملهم از وحی اند، بنیادهای تفکر سیاسی و فلسفه‌ی سیاسی اسلام را پی‌ریزی نمودند. دعوت پیامبر اکرم ﷺ، آغاز تبیین فلسفه‌ی سیاسی اسلام بود، که بعداً در پایان قرن سوم هجری، به عنوان فلسفه‌ی سیاسی منسجمی مطرح شد و پس از آن بود که شخصیت‌های نام‌دار و برجسته‌ی سیاسی در جهان اسلام همچون فارابی، کندی، خوارزمی، ابو معشر بلخی، راغب اصفهانی، ابوبکر رازی، حاتم رازی، ابن سینا، ابن باجه، ابن طفیل و ابن رشد و ابن خلدون و... به تبیین و تفسیر فلسفه‌ی سیاسی اسلام پرداختند. محورهای سه‌گانه‌ی قدرت، حکومت و جامعه، موضوعات بنیادین فلسفه‌ی سیاست‌اند، که بر این اساس در فلسفه‌ی سیاست از نحوه و چگونگی ساختار قدرت، دست‌یابی به قدرت، انتقال قدرت، نحوه‌ی شکل‌گیری قدرت و قدرت مشروع و مقبول و نحوه‌ی استفاده از قدرت، تمرکز قوا، نقد قدرت و نیز در زمینه‌ی حکومت، ماهیت حکومت، رهبری حکومت، مسأله‌ی حاکمیت، مطلوبیت و یا عدم مطلوبیت حکومت و شکل و ساختمان حکومت و نیز درباره‌ی جامعه، چیستی آن، رشد، انحطاط، نقش‌آفرینی آن و... سخن گفته می‌شود. با توجه به این کلیت، هنگامی که می‌گوییم سیره‌ی دعوت نبوی از منظر فلسفه‌ی سیاسی، مراد آن است که دعوت نبوی در راستای امور سه‌گانه‌ی فوق، چه دیدگاه‌ها، راه‌کارها و روش‌هایی را ارائه نموده است؛ نگاه آن حضرت ﷺ به مقوله‌ی قدرت، حکومت و جامعه چیست و در دعوت پیامبر اکرم ﷺ چه آموزه‌هایی سمت‌گیری مطلوب قدرت را تبیین می‌کند و چه آموزه‌هایی در باب حکومت و ساختار آن و شکل آن و... وجود دارد و نیز در دعوت پیامبر اکرم ﷺ، جامعه چه جایگاه، موقعیت و نقشی دارد؛ جامعه در دعوت نبوی از چه رسالت‌هایی برخوردار است. بدین روی، این مسأله‌ی مهم در این نوشتار به معرض تفسیر و تبیین نهاده می‌شود.

ترابط فلسفه‌ی سیاست با معرفت سیاسی

فلسفه‌ی سیاسی، دارای ترابطی ساختاری با معرفت سیاسی است؛ به این معنا که فرد سیاست‌مدار یا فیلسوف سیاسی، باید دیدگاهی روشن از امهات و مسائل و موضوعات عرصه‌ی سیاست داشته باشد و نیز بداند که چگونه به اداره‌ی جامعه و سیاست اجتماع و جهت دادن و هدایت نمودن و نگهبانی از آن با هدفی معین و مشخص و الاپردازد. مجموعه‌ی این شناخت‌ها، معرفت سیاسی را ایجاد کرده و در نتیجه، می‌توان فلسفه‌ی سیاسی مشخصی را که در مقولات سه‌گانه‌ی قدرت و حکومت و جامعه سخن می‌گوید، ارائه نمود.

معرفت سیاسی فعال، جهت‌دار و سیستمی معطوف به آموزه‌های الهی را در مقولات سه‌گانه‌ی قدرت، حکومت و جامعه در پیامبر گرامی اسلام ﷺ مشاهده می‌کنیم.

پیامبر اکرم ﷺ، با تکیه بر ایمان به خدا و با هدف نجات انسان‌ها از انقیاد نفس و شیاطین و با هدف تقرب به خدا و بردن جامعه به سمت ارزش‌های والای معنوی و با هدف خداگونه شدن انسان، اصلاح قدرت، حکومت و جامعه را محور تلاش‌های سیاسی خودش قرار داد. در تصور و دیدگاه پیامبر اکرم ﷺ، قدرت، منشأ الهی دارد، امری تفویضی از جانب خداوند به هسته‌های قدرت اجتماعی است و لذا باید از جوهر نزاهت برخوردار باشد. حکومت نیز امری انحصاری و الهی است و جز خدا حق حاکمیت مطلقه ندارد و لذا حاکم، امین الهی، و ودیعه دار خداوند و نصب شده از ناحیه‌ی خداوند است، حاکمان در دیدگاه پیامبر ﷺ، باید الهی عمل نمایند و دست خدا در جامعه‌ی انسانی باشند و نیز جامعه‌ی انسانی باید صبغه و رنگ الهی بگیرد و جز در مسیر تقوا، عمل صالح و نیکی و خیر و فضیلت نباشد. دعوت پیامبر اسلام ﷺ، در مدت ۲۳ سال دوران رسالت، معطوف به همین کلیات بود و لذا قدرت الهی را شکل داد، حکومتی ربانی به وجود آورد و جامعه و امتی به سامان را تربیت کرد و این‌ها همه ماهیت معطوف به معنا را در دعوت پیامبر ﷺ در حوزه‌ی اصول سیاسی و فلسفه‌ی سیاسی نشان می‌دهد. پیامبر اکرم ﷺ هم معرفتی جامع نسبت به

عرصه‌های یاد شده دارد و هم آن که می‌خواهد پیروان خود را در راستای این معرفت راستین پیروورد و جهت و مسیر آنان را به آنها بیاموزد.

الف - قدرت در اندیشه‌ی نبوی

در آغازین سخن فلسفه‌ی سیاسی، سخن از مقوله‌ی قدرت را در اندیشه‌ی پیامبر ﷺ مطرح می‌نمایم.

معرفت پیامبر ﷺ از مقوله‌ی قدرت

پیامبر اکرم ﷺ علاوه بر آن که از جانب وحی، اطلاعات دقیق و جامعی را از جامعه‌ی آن روز و از حوادث و رویدادها دریافت می‌کرد، به دلیل هوش خارق‌العاده و سرشاری که داشت و در آن جامعه زندگی می‌کرد، از آنچه که در جامعه‌ی جاهلی عرب، به نام قدرت وجود داشت، (در بعد داخلی)، و از آنچه که در دنیای آن روز و در دو بلوک مقتدر روم و ایران وجود داشت (در بعد خارجی) کاملاً مطلع بود.

رسالت پیامبر اسلام ﷺ، که مقصد بزرگ آن کوبیدن و نفی قدرت‌های شیطانی و نفسانی است، حادثه‌ای نیست که فقط در پیامبر ﷺ، یک‌باره منشأ تحول شده باشد و یک‌باره علیه قدرت‌های اهریمنی بشورد، بلکه قبل از بعثت و رسالتش وجود قدرت‌های فاسد و گمراه‌کننده، او را آزار می‌داده و روح بزرگش را در رنج داشته، در دوره‌ی جوانی‌اش ظلمتی را که در قبال روشنی توحید بر قلب‌ها و عقل‌ها چیره بوده، حس می‌کرده، بهره‌کشی سردمداران را از انسان‌های ضعیف مشاهده می‌کرده است. او جهانی را مشاهده می‌کرد که حیران و سرگردان و غرق در تیره‌بختی است و همواره در آیین تحنّف خویش این نجوای دل را در خود داشته است، اما بعثتش، حادثه‌ای یک‌باره بود که بر داشته‌های پیشین محمد ﷺ که در حافظه‌ی نورانی ذهنش مستور بوده، سخنانی برانگیزاننده را می‌افزاید؛ سخنانی که هم فطرت او را سیراب می‌کند و هم عاملی بر حرکتش در مقابل قدرت‌های شیطانی فاسد و اهریمنان مانع از خدایی شدن

انسان است.

صبر و استقامت و پایداری و عزم و تصمیم و آهنگ او را بر اصلاح و ساماندهی، باید مستند به دو عامل یاد شده دانست. درکش از حوادث و وضعیت نابهنجار حاکم بر زمان، دریافت‌هایی که از زلال وحی دارد و خدای بزرگ، دانش‌های زنده را به او منتقل می‌نموده است. در او قلب آماده‌ای بوده جهت دریافت‌های بلند آسمانی تا او را برانگیزاند و در صدد تزکیه و رهایی انسان باشد. بعثت حضرت محمد ﷺ در واقع جایگزین ارسال سپاهی از پیامبران در گستره‌ی زمان‌ها و مکان‌های مختلف بود، بلکه حتی بعثت او چنان فراگیر بود که گویی مانند ارسال فرشته‌ای گران قدر به سوی همه‌ی انسان‌هاست؛ همه‌ی انسان‌هایی که تا وقتی حیات بر روی زمین جریان دارد، و تا آنجا که چشم بر هدایت و نجات دوخته شده است، بر روی زمین گام می‌نهند (غزالی، ۱۳۷۸، ۹).

جملات بالایی که در این فراز نقل شد، نشان می‌دهد که محمد ﷺ سؤال‌های فراوانی داشته و سؤال‌های او را وحی پاسخ می‌دهد و قرآن، همه‌ی آنها را روشن می‌سازد و انگیزه‌ی لازم را به او عنایت می‌فرماید. مثلاً می‌فرماید:

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكَنِیَ اللَّهُ وَ مَن مَّعِیَ أَوْ رَحِمْنَا فَمَنْ یُجِیرُ الْکَافِرِینَ مِنْ عَذَابِ أَلِیمٍ قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ أَمَّنٌّ بِهٖ وَعَلِیْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِی ضَلَالٍ مُّبِینٍ (ملک، ۲۸ و ۲۹)؛ بگو، گیرم که خدا، مرا و همراهانم را هلاک نماید، یا بر ما رحمت آورد، چه کسی کافران را از عذاب دردآور می‌رهاند؟؛ بگو: او خدای رحمان است، به او ایمان آوردیم و بر او توکل کردیم و به زودی خواهید دانست چه کسی در گمراهی آشکار است.

با آن ذهنیت نورانی و فطرت پاک‌ی که دارد، سؤالات ذهنی‌اش را وحی، هر روزه بیشتر پاسخ می‌دهد و به او نوید می‌دهد که با دست باکفایتش قدرت‌های اهریمنی به یک‌سو افکنده شده و به خواری و زبونی گرفتار خواهند شد.

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی

الأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُكِنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُؤَدِّعَهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئاً... (نور، ۵۵)؛ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند وعده داد که در روی زمین جانشین دیگرانشان کند و همچنان مردمی را که پیش از آنها بودند، جانشین دیگران کرد و دینشان را استوار دارد و وحشت آنها را به امنیت بدل نماید که مرا بپرستند و شرک نوزند.

در آیات دیگری رفعت و بلندی رتبه و غلبه‌اش بر ادیان و راه‌های دیگر و قدرت‌های فاسد و تباه‌گر را نیز نوید می‌دهد. با همین انگیزه، روح دعوتش دست خستن از پرستش‌های دروغین و پیروی از انسان‌های فاسد است.

انا ادعوك الى كلمتين خفيفتين في اللسان، ثقيلتين في الميزان، شهادة ان لا اله الا الله و ان محمداً رسول الله؛ من، شما را به دو کلمه که در زبان، ساده و سبکند ولی در ترازوی اعتبار، بسیار سنگین و سترگند دعوت می‌کنم، گواهی به این که خدایی جز او نیست و گواهی به این که، محمد ﷺ فرستاده رسالت‌مدار خداوند است.

حضرت محمد ﷺ همه ساله از شهر مکه خارج می‌شد تا ماه رمضان را در غار حرا بگذراند. غار حرا در چند فرسخی یک روستای پرجمعیت، در بلندی یکی از کوه‌های مشرف به مکه قرار دارد که در سکوت آن، بیهوده‌گویی و سخن باطل مردم پایان می‌یابد و سکون و آرامش کامل و فراگیر آغاز می‌شود. حضرت محمد ﷺ توشه‌ی چندین شب را بر می‌گرفت و در این بلندی، از جهانیان منقطع می‌شد و با دل مشتاق خود به سوی پروردگار جهانیان سیر می‌کرد. یک وجود بزرگ از بلندای این غار ترسناک و پوشیده از چشم دیگران، به فتنه‌ها، جرم‌ها، گناهان، تجاوز به حقوق دیگران و شکست حرمت دیگران، که در جهان آن روز موج می‌زد، می‌نگریست و سپس دچار حسرت و حیرت می‌شد، زیرا راه حلی برای این مشکلات نمی‌دانست و علاجی بر آن نمی‌شناخت (غزالی، ۱۳۷۸، ۹۰).

پیامبر ﷺ، در همین غار، در دل خویش بر قدرت‌های شیطانی نفرین نثار می‌کند و گاهی هم هدایتشان را از خدا می‌خواهد که ناگهان وحی، راهی برای مقابله با اهریمنان و قدرت‌های فاسد، که بشریت را به فساد کشیده‌اند، فرارویش می‌نهد و آن دعوت انسان‌ها به حق و جهاد و نبرد با قدرت‌های ستم‌گر است.

نگاه به مقوله‌ی قدرت در دعوت نورانی پیامبر ﷺ

اصطلاح قدرت را از منظر فلسفه‌ی سیاسی تعریف نموده و دیدگاه پیامبر ﷺ را در دعوتش مورد اشاره قرار می‌دهیم. برخی، قدرت را این‌گونه معنا کرده‌اند: «قدرت، ابزار تولید نتایج مورد نظر است» (راسل، ۱۹۸۲، ۳۰۶) و برخی، قدرت را «امکان دست‌یابی به اهداف» (عبدالرحمن عالم، ۱۳۶۸، ۲۴۲) و برخی هم آن را به «نیروی که با آن بتوان به تحقق اهداف دست یافت» (عبدالرحمن عالم، ۱۳۶۸، ۲۴۴).

طبق این تعاریف، قدرت، یک فرایند است که سبب دست‌یابی به اهداف می‌شود. این مقوله خالی‌الطبع است؛ هم می‌تواند در دست انسان‌های اسیر قدرت باشد و هم می‌تواند در دست انسان‌های صالح و شایسته باشد. از لوازم ساختاری اعمال قدرت و از شرایط بنیادی آن، به دست گرفتن منابع سه‌گانه‌ی قدرت است، یعنی تا واحدی اجتماعی نتواند منابع سه‌گانه‌ی قدرت را به دست بگیرد، نخواهد توانست از قدرت، در راستای اهداف خویش بهره‌بردار و به نتایج مورد نظر دست یابد.

منابع سه‌گانه‌ی قدرت، عبارتند از:

- ۱) منابع انسانی: که عبارتند از جمعیت‌ها و توده‌های انسانی یک جامعه که در فلسفه‌ی سیاسی، بنیاد بخش و شکل دهنده‌ی نظام سیاسی می‌باشند؛
- ۲) منابع اقتصادی: که در واقع به عنوان پشتوانه محسوب می‌شوند؛
- ۳) منابع قدرت نظامی: که عبارتند از نیروهایی که به حفظ موجودیت سیاسی یک حکومت سیاسی و یا به حذف قدرتی در قالب‌های کودتا و یا اعمال براندازانه منجر می‌شوند.

طبقه‌ی نخست، که تعداد پر شمار و اکثری دارد، تمام وظایف سیاسی را که از ناحیه‌ی حاکمیت ارائه می‌شود، انجام می‌دهد و به نوعی قدرت او در حاکمیت متبلور و متجلی می‌شود. همین طبقه است که قدرت را نهادینه می‌سازد و یا به حذف آن اقدام می‌نماید، لذا در فلسفه‌ی سیاسی منبع توده‌ای و جمعیتی، منبعی مقتدر و نیرومند است.

منبع دوم، پس از منبع نخست تعیین‌کننده است، زیرا شریان حرکت مادی و اقتصادی جامعه در اختیار همین منبع است.

منبع سوم، گرچه نمی‌تواند در برابر منبع نخست در صورت انسجام و ارگی کاری از پیش‌برده، اما در واقع حرکت‌های مطلوب را کند می‌کند و به عاملی بازدارنده تبدیل می‌شود و اگر هم‌سو باشد، موجب تقویت حرکت منبع اول و دوم می‌شود. این است که در فلسفه‌ی سیاست این منابع سه‌گانه مهم‌اند.

در هر حال اگر فردی بتواند این منابع سه‌گانه را در اختیار بگیرد، خواهد توانست اهداف خویش را به مرحله‌ی ظهور و فعلیت برساند.

پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ در دعوت خویش، به عنوان رهبر جامعه‌ی نوپای اسلامی، علایق توده‌های اجتماعی را در روند تکاملی حرکتش در اختیار دارد، به گونه‌ای که در ماجرای فتح مکه، حتی آب وضوی پیامبر ﷺ را یارانش می‌گرفته و بر روی خود می‌کشیدند، زیرا که آن را شفا و مایه‌ی خیر و برکت می‌دانستند؛ به فرمان او گردن گذاشته و سر بر کمند اطاعتش نهاده بودند.

جایگاه اطاعت در فلسفه‌ی سیاسی پیامبر ﷺ

در ماهیت دعوت پیامبر ﷺ، مقوله‌ی اطاعت، جایگاه بلندی داشت که با آیاتی از قرآن مجید تبیین شد «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (ساء، ۵۹)؛ ای مؤمنان اطاعت کنید خدا و رسولش را و صاحبان امر خودتان را.

قرآن مجید، این تذکار را به جامعه می‌دهد که رسول خدا ﷺ از روی هوا و هوس و گرایش‌های نفسانی خودش سخن نمی‌گوید، آنچه که می‌گوید وحی

خداست و از همه مهم‌تر این که، او را اسوه‌ی حسنه می‌داند و به مردم، این اندیشه را می‌رساند که اطاعت از پیامبر ﷺ، اطاعت از خداوند است: «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ» (نساء، ۸۰)؛ هر کس از رسول خدا ﷺ اطاعت نماید، از خدا اطاعت کرده است.

پیامبر ﷺ، شخصاً مقوله‌ی اطاعت را مورد تأکید قرار می‌دهد، زیرا که آن، مقوله‌ای بنیادی در حرکت سیاسی پیامبر ﷺ است. رسول خدا ﷺ در احادیث و اصول دعوت خویش، این نکته را قرار داد که: «علیکم سنتی»؛ بر شما باد به سنت و سیره و روش رفتارم.

یا این که فرمود: «الا و انی اوتیت الکتاب و مثله معه» (سجستانی، ۱۳۹۴ هـ، ۶۱۰)؛ بدانید که قرآن و مانند آن (سنت) به من اعطا شده است.

در حدیثی آمده است که «جبرئیل بر رسول خدا ﷺ نازل می‌شد و سنت را همانند قرآن به آن حضرت آموزش می‌داد» (طباطبایی، ۱۳۶۴، ۲).

با این تأکیدها و اهمیتی که نسبت به اطاعت از پیامبر ﷺ پیش آمد، هم منبع اجتماعی و هم منبع اقتصادی، که بخشی از جامعه بودند، و هم منبع قدرت نظامی در اختیار پیامبر ﷺ نهاده شد و او صاحب اختیار همه بود، به نحوی که وقتی پیامبر ﷺ از آنها پرسید: «الست اولی بکم من انفسکم»؛ «آیا از شما به خودتان، ولایت بیشتری ندارم؟»، جواب آنها «بلی» بود.

پیامبر ﷺ توده‌های انسانی را در دعوت خویش به خود جذب نمود، در طلیعه‌ی دعوتش، با نزول آیه‌ی «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»؛ «بترسان خویشاوندان نزدیک خود را، این مهم را با این دعوت عملی نمود و طی فرایند دعوت، تکاملی در شیوه‌های دعوت به وجود آمد و پیامبر ﷺ در راستای ارشاد و هدایت متمولان اقدام نمود.

با افزایش شمار پیروان، اندک اندک، دعوت متنفذان قریش به آیین اسلام، شکل خاصی به خود گرفت و پیامبر ﷺ برای هدایت قدرت‌مندان اقتصادی، که بازوی نظامی هم داشتند، اقدام نمود.

عبداللہ حارث از ابن عباس نقل کرده که علیؑ چنین گفت:

چون آیهی «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» نازل شد، رسول خدا ﷺ او را خواند و گفت: پروردگار مرا فرموده است که خویشاوندان نزدیک خود را بترسانم و این کار بر من دشوار بود، تا آن که جبرئیل گفت: اگر چنین نکنی پروردگارت تو را عذاب می‌کند، اکنون تو طعامی آماده کن و فرزندان عبدالمطلب را بخوان، تا امر خدا را به آنان ابلاغ کنم. من چنین کردم، شمار آنان که در این دعوت فراهم آمدند، چهل تن یا یکی بیش و کم بود، ابوطالب و حمزه و ابولهب در آن جمع بودند، و چون طعام خوردند، ابولهب دید که آن غذای اندک، همه را کفایت کرد و چیزی هم از آن باقی ماند. گفت: محمد جادوگر است. در این مجلس، محمد نتوانست دعوت خود را ابلاغ کند. روز دیگر آنان را خواند و گفت: فرزندان عبدالمطلب، هیچ‌کس از عرب بهتر از آنچه من برای شما آورده‌ام، نیاورده است، من برای شما خیر دنیا و آخرت را آورده‌ام، خدا فرموده است، شما را به او بخوانم، کدام یک از شما مرا یاری می‌کند تا برادر من و وصی من و خلیفه‌ی من در بین شما باشد. هیچ‌یک پاسخ ندادند و من که از همه خردسال‌تر بودم، گفتم: یا رسول الله، من شما را یاری می‌کنم. محمد، پشت گردن مرا گرفت، و گفت: این، برادر من و وصی من و خلیفه‌ی من در بین شماست. سخن او را بشنوید و بپذیرید (طبری، ۱۹۸۷، ۱۱۷۲).

پیامبر اکرم ﷺ در دعوت اقارب و خویشاوندان خویش، امهات و اصول کلی فلسفه‌ی دعوت خویش را، که شکل دهنده‌ی فلسفه‌ی سیاسی او است را بیان می‌فرماید.

سؤال‌های کلیدی در امر قدرت

در مسأله‌ی قدرت، سه سؤال کلیدی وجود دارد که عبارتند از:

- ۱) «چه کسی قدرت را اعمال می‌کند؟»
- ۲) «چگونه قدرت را اعمال می‌کند؟»
- ۳) «در چه راهی و برای چه امری، قدرت را اعمال می‌کند؟»

در فلسفه‌ی سیاسی پیامبر ﷺ، پاسخ این سه مقوله داده شده و دعوت خود را به گونه‌ای تنظیم کرده است که جهت‌گیری اعمال قدرت و هدف آن و این که چه کسی قدرت را به دست بگیرد و چگونه اعمالش نماید، جهتی الهی بیاید و در مسیر ایده‌ها و آرمان‌های و حیانی قرار بگیرد.

مخالفت و موضع‌گیری تند اشراف مکه در تقابل با رسالت پیامبر اکرم ﷺ تنها ناشی از انحراف عقیدتی آنان نبود، بلکه آنها دریافته بودند که حرکت جدید و رسالت پیامبر ﷺ، به حذف قدرت آنان منجر شده و قدرتی منزه و جدید را ایجاد خواهد کرد، که البته آنها در موارد زیادی هم تصریح کرده‌اند که دعوت محمد، شوکت آنان را از بین می‌برد. همین انگیزه‌ها بود که فضای مکه را چنان بر پیامبر ﷺ تنگ نمودند که آن حضرت، به مدینه هجرت نمود و در آن جا به تأسیس ساختار جدیدی برای قدرت اقدام نمود. همان که اشراف مکه از آن می‌ترسیدند، به مرحله ظهور و فعلیت رسید و عاقبت شوکت آنان را گسیخته و به نابودی کشاند.

جایگاه نفی قدرت‌های شیطانی در دعوت نبوی

پیامبر اکرم ﷺ در دعوت الهی خودش، با نمایندگان قدرت، که به گونه‌ای استبدادی و ستم‌گرانه و فاسد ایجاد شده بودند، برخورد نمود؛ کسانی که سال‌ها افکار مردم را به زنجیر اوهام و خرافات بسته و دریچه‌های جان انسان‌ها را بسته بودند؛ آنهایی که مردم را بی‌چون و چرا مطیع قدرت ظالمه‌ی خویش می‌خواستند، همچون ابوسفیان، سردسته‌ی خیل جنایت‌کاران و ابوجهل و ابولهب و عتبه و شیبه و... .

آنها گمان می‌کردند محمد ﷺ همچون آنهاست که با تهدید و یا تطمیع بشود او را از دعوتش منصرف نمود، لذا به تطمیع دست یازیدند. پیامبر ﷺ در جواب تطمیع آنها فرمود:

خدا مرا انگیزته نموده است که مال دنیا بیندوزم و ثروت انباشته نمایم، مرا برانگیزته تا دعوتش را به مردم برسانم و خلق را بدو بخوانم (یعقوبی،

۱۴۰۰ هـ، ۱۷).

قریش به نزد ابوطالب رضی الله عنه رفته و گفتند: ما عماره بن ولید را که جوانی تاور و خردمند است به تو می‌دهیم و تو، محمد را به جای او به ما بسپار تا او را بکشیم (ابن هشام، ۱۴۱۰ هـ، ۲۷۹).

ابوطالب رضی الله عنه، که قلبش مملو از عشق به خدا و محمد صلی الله علیه و آله است و می‌دانست که محمد صلی الله علیه و آله فراتر از همه‌ی عالم ماده است و وجودش، تجلی خداوند است و هیچ چیز و هیچ کس با او برابری نمی‌کند، در جوابشان گفت: «چه درخواست ستم‌کارانه‌ای! شما می‌خواهید فرزند خود را به من بسپارید تا او را برای شما پیروم و به جای او فرزند مرا بگیرید و بکشید؟ این انصاف نیست، ستم است، بروید هر چه می‌خواهید بکنید که هرگز سخن شما پذیرفته نیست» (ابن هشام، ۱۴۱۰ هـ، ۲۸۰).

پس از آن بود قدرت‌مندان قریش برای ابقای قدرت شیطانی خویش، توطئه‌ی دارالندوه را طراحی کردند تا پیامبر صلی الله علیه و آله را بکشند و از قدرت ظالمه‌ی خویش دفاع نمایند، اما ماجرای هجرت بر همه‌ی این توطئه‌ها خط بطلان کشید و پیامبر صلی الله علیه و آله با هجرت خویش، قدرتی را که تبلور قدرت الهی بود به وجود آوردن و در مسیر ترسیم آینده‌ی روشن برای گروندگان به حقیقت قرار گرفت.

پیامبر صلی الله علیه و آله و هزینه‌ی قدرت برای حق

در فلسفه‌ی سیاسی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، مقوله‌ی قدرت حق، محور و مرکز اصول دعوت قرار گرفت. پیامبر صلی الله علیه و آله در دعوت خویش، این هشدار را می‌دهد که قدرت را فقط باید در راه حق و اقامه‌ی عدل و پرهیزگاری و نجات انسان هزینه نمود، و از هزینه نمودن قدرت در راه باطل بر حذر می‌داشت.

در حدیث نبوی است که: «من ولا، شیئاً من امور المسلمین فاحتجب دون حاجتهم و خلقهم احتجب الله دون حاجته و فقره يوم القيامة»؛ کسی که کاری از کارهای مسلمین را به دست بگیرد و در مسیر غیر نیاز جامعه و مردم حرکت کند خداوند در مسیر غیر نیازش او را وامی‌دارد و در روز قیامت فقیرش می‌نماید.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حاکم را از این جهت که حاکم جامعه‌ی اسلامی است، موظف می‌داند که خود را از مردم مخفی ندارد و از قدرت خویش برای اقامه‌ی قسط و برآوردن نیازهای آنان بهره ببرد و همین مسأله در دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله، فلسفه‌ی قدرت را تشکیل داده و توضیح می‌دهد.

قدرت در اندیشه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله، منشأ الهی دارد؛ جهت الهی دارد و در خدمت جامعه‌ی انسانی و در برابر قدرت‌های شیطانی قرار می‌گیرد.

ویژگی‌های قدرت در دعوت نبوی

از بررسی کلمات و تصمیمات و رهنمودهای پیامبر صلی الله علیه و آله در تنظیم ساخت و قدرت، نکات بلندی را درک می‌نماییم و ویژگی‌های ممتاز و برجسته‌ای را در مقوله‌ی قدرت ملاحظه می‌کنیم.

۱) تلازم قدرت و مسؤولیت؛ بدین معنا که لازمه‌ی برخوردارگی از قدرت، ایجاد مسؤولیتی گران است. کاربرد واژه‌ی مسؤولیت در قبال رعیت، در کلام نبوی کاربرد فراوان یافته است.

۲) قدرت و مقوله‌ی امانت تلازمی جدی دارند، یعنی قدرت و انهاده به حاکم امانتی الهی و مردمی است، یعنی خداوند و مردم، قدرت را به عنوان امانت به حاکم وامی‌نهند و لذا حاکم باید فردی امین و درست‌کار باشد تا بتواند ودیعه‌ی الهی مردمی را به نیکی پاس بدارد.

۳) فلسفه‌ی قدرت، اقامه‌ی حق و عدل است و لذا فقط در آن راه باید هزینه گردد. فرمود:

لعمل الامام العادل فی رعیتته یوماً واحداً افضل من عبادة العابد فی اهله مائة عام ... (شریف القرشی، ۱۹۷۸، ۷۱)؛ عمل عادلانه‌ی یک روز امام در میان رعیت، برتر از عبادت صد سال یک عابد است.

۴) قدرت، باید ابزار حاکمیت اخلاق و نیکی‌ها باشد و اخلاق فاضله از مسیر قدرت در جامعه‌ی انسانی نهادینه گردد.

۵) قدرت، ابزار انجام اصلاحات گسترده در قلمروهای گوناگون در جامعه

می‌باشد.

۶) قدرت، فلسفه‌ی منع از حضور قدرت‌های اهریمنی و باطل در صحنه‌ی اجتماع است.

۷) باید بر قدرت همواره نظارت گردد تا به تمرکز فسادانگیز منجر نگردد. در تاریخ حیات نورانی پیامبر ﷺ، هرگز قدرت ابزاری برای حاکمیت امیال نفسانی نشد، و فقط برای اقامه‌ی فضیلت‌های اخلاقی به کار برده شد. لذا خود پیامبر ﷺ می‌فرمود:

بعثت لاتم الاخلاق؛ برانگیخته شدم تا کرامت‌ها و فضیلت‌های اخلاقی را

تکمیل نموده و به تمامیت حاکم نمایم.

۸) قدرت، عاملی برای رفع آلام محرومین و ایجاد سلامت و امنیت در آنهاست. پیامبر اکرم ﷺ، قدرت را ابزاری برای تحقق خواسته‌های محرومان دانسته و در این راه، قدرت را به کار می‌برد. همچنین قدرت تنزیه شده، آمیخته با رفق و مدارای با مردم است.

ان اهم ما یطلبه الاسلام من ولاة الاموان یکنوا فی دخائل نفوسهم و اعماق قلوبهم الحب و الرحمة و الحنان لجمیع المهوراتین من غیر فرق بین ان یکنوا مسلمین او کتابیین لان الرابطة الانسانية فی نظر الاسلام من اهم روابط الخلیقة بالرعية و العطف (شریف القرشی، ۱۹۷۸، ۷۱)؛ مهم‌ترین چیزی که اسلام از صاحبان قدرت می‌خواهد، این است که در اعماق قلبشان انگیزه‌ی محبت و رحمت و مهربانی را برای جمیع مردم در نظر گیرند؛ بدون فرق بین مسلمانان و اهل کتاب، چون رابطه‌ی انسانی در اندیشه‌ی اسلامی از مهم‌ترین روابط ارجمند به مردم و عطف توجه به آنان است.

به همین جهت پیامبر اکرم ﷺ، در منشور حکومتی خودشان، توجه به اهل کتاب و کسانی که در ذمه‌ی اسلامند را مورد تأکید قرار داده‌اند.

۹) قدرت و حاکمیت، مظهري از مظاهر عزت الهی است که در حاکم پاک و منزّه، رسمیت و تحقق یافته است.

۱۰) قدرت‌های باطل حجاب حق هستند و لذا قدرت حق برای زوال آنها می‌کوشد.

پیامبر ﷺ فرمود:

الا انه سكون عليكم امراء مزلون يقضون لانفسهم ما لا يقضون لكم و ان اطعموهم اضلوكم...؛ آگاه باشید که بعد از من حاکمانی گمراه بر شما استیلا یابند آنچه برای خودگرد می‌آورند برای شما نمی‌جویند؛ اگر اطاعتشان کنید گمراه می‌شوید.

۱۱) قدرت حق، ملازم با عفو و کرامت است. به همین دلیل بود که پیامبر ﷺ، در اوج قدرت به اشراف و سردمداران قدرت فاسد قریش فرمود:

اذهبوا فانتم الطلقاء؛ بروید که شما آزادید.

همچنین در مواقعی دیگر، در اوج قدرت، عفو نمود.

و قد سن النبي في دعوته لامته ترجيح المن على الاسارى والسبايا بالعتق قولا و عملاً في غزوة بني المصطلق و غزوة مكة و غزوة حنين كما هو مفضل في كتب السيرة النبوية ... فعلم من من ذلك ان روح الدعوة النبوية ترجيح جانب الفضل و الاحسان عند القدرة (الامام زين العابدين، بی تا، ۴۴۷)؛ پیامبر ﷺ در دعوت خویش سستی بزرگ پایه‌گذاری کرد که بر اسیران به وسیله‌ی منت نهاده شود، هم از لحاظ گفتار و هم به لحاظ عمل. چنان که در غزوه‌ی بنی‌المصطلق و فتح مکه و غزوه‌ی حنین، خود پیامبر ﷺ عمل فرمود. ... از این‌ها فهمیده می‌شود که روح دعوت نبوی، ترجیح فضل و کرامت و احسان در زمان برخورداری از قدرت است.

۱۲) ترابط قدرت و مشورت: در دعوت پیامبر ﷺ، قدرت حق، با مشاوره با مردم ترابطی ماهوی و ساختاری یافته است. دستور «وَاَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ»، در قرآن مجید، نمایان‌گر همین مسأله‌ی مهم است. لذا پیامبر ﷺ تحکم‌آمیز سخن نمی‌گوید، و مستبدی نیستی که بر مردم مستبدانه اعمال قدرت کند، «لَسْتُ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّطٍ»؛ بر آنها چیره دست و مستبد نیستی. پیامبر ﷺ با مشاوره‌ی خود با

اصحاب و مردم، امکان مخالفت آنان با مسأله‌ای را منتفی می‌کرد و در نتیجه در فرایند اعمال قدرت، تقویت درونی قدرت را سبب می‌شد.

بالاخره قدرت نبوی با دوراندیشی و حزم و احتیاط و فضیلت و عدالت و حق‌گره خورده بود.

ب - مدل حکومت در دعوت پیامبر ﷺ

امت اسلامی، گروهی متشکل است که نوع زندگی‌شان به هر روش و شیوه‌ای نیست، بلکه شیوه‌ی اداره زندگی آنها را قانون الهی تعیین می‌نماید و مدار حرکتشان را نیز هر نوع حکومتی تعیین نمی‌کند، بلکه آن هم از درون قانون خدا شکل می‌گیرد.

پیامبر اکرم ﷺ در رأس امتی بزرگ است که ایده‌ی فوق را ایجاد کرده است. در روح دعوتش، خواندن به قانون خدا و حکومت خداوند است و لذا نمی‌توان آن را با هیچ‌یک از انواع حکومت‌های دیگر سنجید. پیامبر اکرم ﷺ، واژه‌هایی را در فرهنگ سیاست امت اسلامی وارد کردند که هم تعیین‌کننده‌ی شکل و هم تعیین‌کننده‌ی محتوای حکومت است. واژه‌های ولایت، امامت، امارت، دولت، ملک، و... که این واژه‌ها در واقع تعیین‌کننده‌ی شکل اداره‌ی جامعه است، که باید ولایت باشد و امامی در رأس حرکت اجتماع و در بالای هرم حاکمیت، به ولایت برسد، دولت تشکیل دهد و ملک داری نماید.

در بیانات پیامبر اکرم ﷺ، واژه‌هایی نظیر عدالت، قسط، حکم به حق، ظلم و دادخواهی، برّ، صدق، دولت حق و... واژه‌هایی هستند که محتوای حکومت را تعیین می‌نمایند.

پیامبر اکرم ﷺ در دعوت خویش، کلمه‌ی دولت را به جای حکومت هم استفاده کرده‌اند، ایشان به مناسبت بیان جایگاه تقیه می‌فرمایند:

والله لولا التقية ما عبدالله في الارض دولة ابليس، فقال رجل: وما

دولة ابليس؟ فقال اذا ولي امام هدى فهي دولة الحق، واذا ولي امام

ضلالة فهي دولة ابليس (نوری، ۱۴۰۷ هـ، ۲۵۳)؛ به خدا قسم اگر به

روش تقیه عمل نمی‌شد، کسی خدا را در زمین در دولت ابلیس عبادت نمی‌کرد. پرسیده شد، دولت ابلیس کدام است؟ فرمودند: زمانی که امام هادی به حق بر جامعه سرپرستی داشته باشد، دولت حق است، و هرگاه امامی گمراه‌گر و خواننده به باطل بر جامعه ولایت یابد، آن، دولت ابلیس است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، اراده‌ی حاکم الهی را عالی‌ترین مبنا برای اداره‌ی امت می‌دانند و در تداوم آن، مقوله‌ی اطاعت از حاکم الهی را واجب می‌دانند. به دلیل الهی بودن حاکمیت و این که حاکمیت‌های معارض فراوانی در برابر این حکومت، به مقابله و معارضه می‌پردازند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جهاد، مقاتله و پیکار با حکومت‌های ستم‌گر به انسان و بازدارنده از حرکت‌های تکاملی انسان واجب می‌دانند و این مسأله، در طبیعت مکتب جامع اسلامی و محتوای تفکر سیاسی آن قرار دارد.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، این حرکت سیاسی برخاسته از طبیعت مکتب حیات بخش اسلام را به ثبوت رسانده و اولین گام را در این راه برداشته است و در اولین فرصت و شرایط ممکن، حرکت سیاسی خود را در جهت انجام وظیفه‌ی دعوت در مکه آغاز نمود و سپس با هجرت به مدینه و تشکیل حکومت اسلامی، فعالیت سیاسی و نظامی خود را طبق دستورات الهی پایه‌گذاری نمود (جهان بزرگی، ۱۳۷۸، ۱۵۴).

نوع حرکت پیامبر صلی الله علیه و آله در باب حکومت، یکی از عناصر متشکله‌ی فلسفه‌ی سیاسی اسلام است. در اندیشه‌ی سیاسی پیامبر صلی الله علیه و آله هیچ شمشیری، با قاطعیت شمشیری که از جهت استوار سازی حکومت با مدل حقانیت، کشیده شده، نبوده است؛ به گونه‌ای که حکومت و حقانیت با هم تلازم ساختاری و ماهوی یافته‌اند، یعنی گوهر حاکمیت پیامبر صلی الله علیه و آله با حقانیت پیوند ذاتی یافته است.

همان گونه که قرآن مجید، اقیانوسی بیکران از امهات فلسفه‌ی سیاسی اسلام را در خود گنجانیده، در شکل دعوت و سیره و سنت نبوی هم این مسأله، عمق خاصی دارد؛ به گونه‌ای که سیره و سنت نبوی در فلسفه‌ی سیاسی دومین منبع ارزیابی فلسفه‌ی سیاسی اسلام، شمرده می‌گردد. در حیات نورانی پیامبر صلی الله علیه و آله،

اقیانوسی عملیاتی، از امهات فلسفه‌ی سیاسی اسلام قرار دارد. سیره‌ی دعوت شفاهی و عمل سیاسی پیامبر ﷺ در بعد اجتماعی و حکومتی، بسیار راه‌گشا و سرمشق‌دهنده است.

آداب و شیوه‌ای که رسول‌گرامی اسلام ﷺ، در اعمال حکومتی ده ساله در مدینه ارائه کرده و به آن دعوت نموده است، شاخص و معیار در ماهیت حکومت دینی است، که با قاطعیت می‌توان گفت، مدل حکومتی مورد خواست پیامبر ﷺ با هیچ‌یک از حکومت‌های موجود در جهان سنجیده نمی‌گردد. مدل حاکمیت حق است و پیامبر ﷺ، زبان حق است «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (نجم، ۴-۳)، از خواسته‌های دل خویش سخن نمی‌گوید، بلکه وحی خداست که به او ارائه شده است.

پیامبر ﷺ خود فرمود:

«أدبني ربي فأحسن تأديبي»؛ خدایم مرا ادب نموده و به نیکی ادبم کرد.

جستارهای کلیدی فلسفه‌ی سیاسی پیامبر ﷺ در حکومت

در شیوه‌ی حکومت‌داری و حکم‌رانی پیامبر ﷺ، چند جستار کلیدی راه‌گشایند. جستارهایی که از عمل و سیره‌ی رسالتی پیامبر اکرم ﷺ استخراج می‌شود عبارتند از:

۱) حکومت، پرتوی از حاکمیت الهی است:

ان النبي الاعظم جاء لاجل التوحيد والعبودية الله و دعوة الناس الى الالتفات حول القيادة الالهية لتبدء الحضارة من جديد و تغلق الاوراق القديمة (السيد نذير يحيى، بی‌تا، ۱۲۹)؛ پیامبر اعظم ﷺ به خاطر تحقق توحید و عبودیت الهی رسالت یافت و مردم را به توجه به خدا و رهبری الهی دعوت نمود تا تمدنی نوین را پایه‌گذاری کرده و روش‌های کهنه را از بین ببرد.

۲) حکومت، فلسفه‌ی تحقق عدالت است.

۳) حاکم اسلامی، در هرم حاکمیت، همچون پدری مهربان برای مردم است.

۴) عظوفت و مهربانی، جوهره‌ی حکومت حق است.

پیامبر ﷺ، چنین شاکله‌ای را در حکومتش شکل بخشید. علی رضی الله عنه، پیامبر ﷺ را در اوج اقتدار و حاکمیت چنین می‌ستاید:

كان رسول الله سهل الخلق، دائم البشر، لين الجانب، ليس بفظ ولا غليظ ولا سحاب ولا فحاش ولا عياش ولا مزاح ... (مجلسی، ۱۴۱۰ هـ، ۱۵۲)؛ رسول اکرم ﷺ نرم‌خو بود، همواره خوش‌رو و متبسم بود، خشن و سنگ‌دل نبود، تندخو و دشنام‌دهنده و دنبال‌عیش و عشرت و بذله‌گویی نبود.

چنان مهربان بود که سرسخت‌ترین دشمنانش، که درک درستی از رحمت بیکران‌ش نداشتند، او را «أذق» می‌خواندند، یعنی او ساده و زود باور است، که قرآن مجید، جواب این بی‌ادبی‌ها را داده است. خداوند تبارک و تعالی در قرآن مجید به او فرمود: «و ما ارسلناك الا رحمة للعالمين» (انبیاء، ۱۰۷)؛ ما تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم.

۵) حکومت، تجلی بخش ارزش‌های الهی است.

ارزش‌گرایی سیاست پیامبر ﷺ، از نمودهای برجسته‌ی حکومت آن حضرت است و در ماهیت دعوت و رسالتش همین خصیصه، اصلی بنیادین شمرده شده است. مفاهیمی همچون اخلاق، عدالت و انصاف، در سرشت دعوت آن حضرت قرار گرفته است.

رسول اکرم ﷺ که در کمال عقلانی، اکمل افراد انسانی بود، نهایت دقت را در تکریم شخصیت‌ها و بسط ارزش‌هایی همچون عدالت و انصاف داشت.

امام صادق رضی الله عنه، در شیوه‌ی حکم‌رانی آن حضرت می‌فرماید:

رسول خدا صلی الله علیه و آله، حتی نگاه‌های خود را میان اصحابش تقسیم می‌نمود و به

این و آن، به طور یکسان می‌نگریست (حر عاملی، ۱۳۷۴، ۴۸۸).

پیامبر اکرم ﷺ، سیاه‌پوستی همچون بلال را چنان رفعت می‌بخشد که سین او

را شین دانسته و او را امین و خازن بیت‌المال قرار می‌دهد.

۶) حکومت، فلسفه‌ی بلندی دارد و آن، امنیت توده‌های اجتماعی است.

«وَلَيَبْذُرُهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أُمَّنًا».

۷) حکومت، تمهیدگر آزادی انسان است

«الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ».

لذا در فلسفه‌ی سیاسی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، حاکم باید داناترین فرد و سزاوارترین شخص به حاکمیت باشد. انسانی الهی باشد، واجد کمالات عقلی و روحی و مبدأ و منشأ فضیلت‌ها باشد.

این آموزه‌ها در دعوت نبوی، هم به صورت خطابات شفاهی مطرح شده و هم پیامبر صلی الله علیه و آله آن را به صورت عملی پیاده نموده است.

ج - جایگاه جامعه در فلسفه‌ی سیاسی دعوت نبوی

جامعه، عنصری مهم در فلسفه‌ی سیاسی است. در ایده‌های سیاسی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت به جامعه، کلمات راه‌گشا و جهت بخش وجود دارد، همچون وظیفه‌ی انسانی، وظیفه‌ی الهی، مشارکت، اطاعت، نقد، امر به خوبی‌ها، نهی از بدی‌ها، نظارت، الگوگیری و... که عمق دیدگاه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله را در فلسفه‌ی دعوتش نسبت به جامعه نشان می‌دهد.

جامعه، در اندیشه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله، جمعیتی هم‌کیش و هم‌مقصد و هم‌رأی است که اعتقاد به خدا و آموزه‌های الهی را محور حرکت خویش قرار داده و تبدیل به امتی الهی گردیده است. با این توضیحات، جامعه‌ی الهی در اندیشه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله چندین خصوصیت دارد.

۱) مشارکت فراگیر

مشارکت، درگیر شدن افراد و آحاد جامعه در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی است. پیامبر صلی الله علیه و آله در این رابطه به همه‌ی انسان‌ها مسؤولیت داده و فراوان از عنوان مسؤولیت مشارکت سخن می‌گوید:

الا کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیتہ» (آمدی، ۱۳۶۴، ۲۸۵)

بدانید که همه‌تان در حکم نگهبانید و همه‌تان نسبت به زیردستان خود پرسش خواهید شد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در دعوت خویش، اشکال مشارکت جامعه را هم مطرح نموده است. مشارکت در انتخاب حاکم، که در قالب بیعت بیان شده، مشارکت در نقد حاکمیت، مشارکت در فعلیت حاکمیت و... که با اندک مراجعه‌ای به مفاهیمی که در دعوت نبوی مطرح شده، می‌توان به آن دست یازید. اشکال یاد شده‌ی فوق، رابطه‌ی کلی مردم را با حاکمیت و دولت ترسیم می‌نماید.

۲) لزوم همگامی با جماعت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، همه‌ی آحاد جامعه‌ی اسلامی را به همگامی با جماعت دعوت می‌نماید و این، ناشی از فلسفه‌ی اجتماعی دعوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. پیامبر صلی الله علیه و آله افرادی را که از جمعیت و جامعه بریده‌اند، سخت مورد نکوهش قرار داده و درباره‌ی عثمان بن مظعون، که جامعه را رها کرده است، می‌فرماید:

لا رهبانیه فی الاسلام، انما رهبانیه امتی الغزو و الجهاد (اصبھانی، ۱۴۰۹ هـ، ۲۵۵)

گوشه‌گیری و رهبانیت در اسلام نیست، رهبانیت امت من جنگ و پیکار و نبرد است.

جامعه‌گرایی در فلسفه‌ی سیاسی اسلام و در ماهیت دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله، به عنوان روح حاکم بر آموزه‌های کلی شریعت است، به همین دلیل است که پیامبر صلی الله علیه و آله، تخلف از جماعت را امری نکوهیده و ناپسند معرفی نموده و به شدت با آن برخورد نموده و در صدد اصلاح آن برمی‌آید.

۳) امت اسلامی (جامعه‌ی دینی) مسؤول ساختن سرنوشت خویش است

این نکته، از نکات بدیع دعوت نبوی است که امت را مسؤول اعمال خویش

دانسته و مسؤول ساختن سرنوشت خود می‌داند. در رهنمودهایی که پیامبر اکرم ﷺ ارائه کرده، هیچ جامعه‌ای در گذر تاریخ، سرنوشت حتمی و تخلف‌ناپذیر ندارد، همه چیز به نقش و اراده‌ی انسان‌ها بستگی دارد.

لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (نساء، ۱۴۱)؛ خداوند هرگز نمی‌پسندد که کافران بر مسلمانان سلطه بیابند و بر آنها حاکم شوند.

اسلام نمی‌پسندد یک ملت مسلمان همیشه دست در یوزگی به سوی یک ملت دیگری به عنوان قرض یا کمک بلاعوض دراز کند، اسلام نمی‌پسندد جامعه‌ی اسلامی استقلال اقتصادی یا اجتماعی نداشته باشد (مطهری، ۱۳۶۸، ۱۷۰).

لذا برای ساختن آینده‌ی جامعه، حرکت جامعه به سوی علم و دریافت‌های علمی حرکتی تهیونی و واجب شمرده شده است. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند:

كَلِمَةُ الْحِكْمَةِ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ فَحَيْثُ وَجَدَهَا فَهُوَ أَحَقُّ بِهَا (مجلسی، ۱۴۱۰ هـ، ۱۷۷)؛ حکمت گم شده‌ی مؤمن است، هر جا که آن را بیابد، او به آن حکمت سزاوارتر و شایسته‌تر است.

با این ترغیب و تشویق‌ها، پیامبر اکرم ﷺ می‌خواهند حس استقلال‌طلبی، عزت و مناعت را در جامعه‌ی دینی پیروانند.

استراتژی و روش دعوت در فلسفه‌ی سیاسی پیامبر ﷺ

در فلسفه‌ی سیاسی پیامبر اکرم ﷺ، دعوت، دارای استراتژی خاصی است، که باید برنامه‌هایی هم برای آن داشته باشد. مهم‌ترین استراتژی پیامبر ﷺ این است که در دعوتش، فلسفه‌ی سیاسی را با روش ابلاغی خاص خود به جامعه‌ی اسلامی منتقل نماید.

پیامبر اکرم ﷺ، دعوت خویش را با یک جمله آغاز نمود:

قولوا لا اله الا الله تفلحوا (اصبهانی، ۱۴۰۹ هـ، ۱۱۸)؛ بگویند که

خدایی غیر از خدای حقیقی عالم نیست، تارستگار شوید.

پیامبر اکرم ﷺ، جنبشی اعتقادی را آغاز کرد و با یک ترکیب و تطهیر فکری

و فرهنگی، همه‌ی آن چیزهایی را که در نظر داشت، در جامعه‌ی مدینه، که نمونه‌ای از حاکمیت سیاسی اسلام است، پیاده نمود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این فلسفه‌ی سیاسی را، طی چند حرکت انجام داد:

- ۱) ایجاد ایمان نسبت به مبدأ و معاد؛
 - ۲) توجه دادن انسان‌ها به کرامت ذاتی و شرافت ذاتی شان؛
 - ۳) آگاهی دادن به حقوق و مسؤولیت‌های اجتماعی؛
 - ۴) لزوم پیکار مقدس در راه آرمان الهی و عقیده‌ی دینی؛
 - ۵) توجه دادن به این حقیقت که حکومت‌های طاغوتی سد راه بشریتند؛
 - ۶) لغو امتیازات موهوم نژادی، طبقاتی و... و بهادادن به تقوا و کرامت انسانی؛
 - ۷) آگاهی دادن به این که رشد و تعالی، هدیه‌ای آسمانی نیست که بدون زحمت و رنج به ملتی روی آورده، انسان‌ها در گرو اعمال خویشند.
- با چنین آموزه‌هایی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آرمان‌ها و عقایدی را به جامعه منتقل نمود که در کم‌تر از ربع قرن بر سراسر دنیای آن روز حاکمیت خویش را بسط دادند و گسترده‌تر کردند.

در سیاست نبوی، تمام راه‌های دست‌یابی جامعه به یک حیات بالنده طی شد و مردم را به گونه‌ای پرورش دادند که جامعه از خطر استبداد و استکبار مصون بماند.

لم یعتن دین من الادیان او مذهب من المذهب «بالسیاسة» كما اعتنى بها الاسلام. فقد فرصتها على المسلمين جميعاً و اوجب عليهم التدخل الايجابي في جميع الشؤون العامة، وقد اعلن النبي ذلك بقوله «كلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیتة» و يقول: من اصبح لا یهتم بامور المسلمين فلیس من الاسلام في شیء و لقد اتى الرسول على عاتق المسلمين المسؤولية الكبرى و هی لزوم السهر على مصالحهم و رعاية شؤونهم فلیس لاحد منهم ان یقف موقفاً سلبياً امام المصلحة العامة، او یهمتل شأناً من شؤون بلاده و یجتمعه او یقف موقف المتفرج امام الاحداث العامة التي یمتی بها المجتمع. و يتصدع

بها کیان الامة فانه ليس من الاسلام ذلك (شريف القرشي، ۱۹۷۸، ۱۷)؛ هیچ دینی و مذهبی به اندازه‌ی اسلام، بر عنصر سیاست توجه نکرده است. اسلام، سیاست نگری را بر مسلمین واجب نموده و آنها را الزام کرده است که به گونه‌ای مثبت با امور اجتماعی مواجه شوند. پیامبر ﷺ فرمود: همه‌تان مسؤولید و فرمود: کسی که شبی را به صبح آورد در حالی که به امور مسلمانان بی‌اعتنا است مسلمان نیست. پیامبر ﷺ، بر دوش مسلمانان مسؤولیتی سنگین نهاد و آن بیداری و رعایت وضعیت خودشان است. فردی از مسلمانان حق ندارد بی‌تفاوت باشد، چرا که برخی حوادث اند که مرگ جامعه و نابودی کیان امت اسلامی را در پی دارند.

اهتمام فلسفه‌ی سیاسی اسلام بر نظارت

در فلسفه‌ی سیاسی پیامبر اکرم ﷺ، مسأله‌ی نظارت اجتماعی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شده است. جامعه‌ی نبوی به گونه‌ای پرورش یافت که همگان وظیفه‌ی خود می‌دانستند که بر کلیت جامعه و قلمروهای آن نظارت داشته باشند و نیز بر حکومت و سیستم قدرت نظارت نمایند، حاکمان را نصیحت کنند و نگذارند که سیستم حاکمیت و حاکمان، پای خود را از مسیر مستقیم خارج نموده و انحراف بیابند.

وللتذليل على ارتباط الاسلام بالسياسة انه اوجب الامر بالمعروف والنهي عن المنكر وهو من اهم برامج سياسة العادلة، فقد اوجب ذلك على المسلمين في دعوته، لانه يصون كرامتهم ويحميهم من عنف الباغين واستبداد الطغاة الحاكمين، ويزيل عنهم كابوس الظلم ويعيش المواطن في ظلاله الوارف، حياة وادعة آمنة لا ييضم له حق، ولا تهدر له كرامة، لان السياسة البناءة ترتبط بالاسلام ارتباطاً وثيقاً (شريف القرشي، ۱۹۷۸، ۱۷)؛ دليل پذیرش ارتباط جوهری اسلام با سیاست، آن است که قرآن مجید امر به معروف و نهی از منکر را واجب نموده، که از مهم‌ترین مرام‌نامه‌های سیاست عدل‌گرای دینی

است. پیامبر اسلام ﷺ این مسأله را در دعوت خویش قرار داده، چون باعث حفظ کرامت آنهاست و از تجاوز تجاوزگران حفظشان می‌نماید و کابوس ظلم و ستمگری را رفع می‌کند و امت اسلام در پرتو عدالتش، زندگی امن و آسوده‌ای را می‌گذراند و کرامتش پایمال نمی‌گردد، به دلیل این که سیاست تعیین‌کننده و رهایی بخش با سیاست اسلامی ارتباط غیرقابل گسستی دارد.

پیامبر اکرم ﷺ، در دعوت خودشان، با ایجاد حس نظارتی قوی و همه‌جانبه و با واجب نمودن امر به معروف و نهی از منکر و واگذاری مسؤولیت به امت اسلامی و تربیت آنها و تبدیل هر یک از آنان به عنصر مفید و ناظر و نگهبان بر کلیت روند حرکت اجتماعی، در تأسیس جامعه‌ای نمونه و استوار، کوشید. با این کار در دعوت خویش، اصول سیاسی مهمی را، هم به لحاظ نظری و هم به لحاظ عملی، مطرح نمود. در پیمان نامه‌ی معروف مدینه، که به منشور مدینه شهرت یافت، وحدت مؤمنان را در برابر دشمن مشترک اعلام نمود و مؤمنان را در سرنوشت خویش دخالت داد و عملاً مهم‌ترین نوع دموکراسی را پیاده کرد. اقتدار حکومتش را با پشتوانه‌ی مردمی عملیاتی ساخت و روشن نمود که مشروعیت حکومت دینی، الهی و آسمانی است که باید به آن معرفت بیابند تا عشق درونی آنها را به مرام‌نامه‌ی الهی، برانگیزد و در حوزه‌ی مقبولیت، به سمت پذیرش حاکمیت دینی حرکت کنند و در تمام آانات حرکت، هر کدام خود را فردی مکلف، مسؤول و موظف به اجرای مرام‌نامه‌ی نبوی و الهی بدانند. این نوع نگرش‌ها بود که تدریجاً فلسفه‌ی سیاسی مدون و منسجمی را طراحی نمود و بزرگان و اندیشمندان دینی، جستارهای حیات نبوی را اصولی راهبردی در فلسفه‌ی سیاسی اسلام دانستند و به تنظیم مدینه‌ی فاضله‌ها و شهرهای خدا، در قالب نظریاتی سیاسی، پرداختند. در این اواخر، انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، به رهبری امام خمینی ره، فلسفه‌ی آرمانی و سیاسی پیامبر ﷺ را تحقق عینی بخشید.

نتیجه

پیامبر گرامی اسلام ﷺ، با تبیین نظریاتی ملهم از وحی و با اقدام سیاسی خویش، بنیاد فلسفه‌ی سیاسی اسلام را پی‌ریزی نمود. فلسفه‌ی سیاسی پیامبر اسلام ﷺ بر سه محور تمرکز داشت: قدرت، حکومت و جامعه. فلسفه‌ی سیاسی پیامبر ﷺ، با معرفت سیاسی پیوندی ناگسستنی دارد. پیامبر ﷺ از ساختار قدرت، مفهوم قدرت، شاکله‌ی قدرت، ماهیت حکومت، شکل آن و جوهره‌ی آن و نیز از جامعه و مسؤولیت‌ها آگاهی عمیق و همه‌جانبه‌ای دارد. در راستای ایجاد قدرت و حکومتی الهی و جامعه‌ای مبتنی بر ساختارهای عقلانی، دینی، تلاشی خستگی‌ناپذیر را انجام دادند و به تنظیم هیأت و ساختار جدیدی برای قدرت پرداختند، ماهیت حکومت را با تشکیل حکومت در مدینه و شکل حرکت جامعه را با هیأتی معنوی و جدید تعیین نمودند. دعوت پیامبر ﷺ متمرکز در همین سه مقوله بود، الگو بودن پیامبر ﷺ در همه‌ی اعمالش برای امت اسلامی ایجاب می‌کند که تئوری‌های قدرت و تنظیم ساختار حکومت و نوع تربیت اجتماعی و شکل بندی نظام اجتماعی، باید در راستای نظریات و اقدامات پیامبر گرامی اسلام ﷺ باشد. مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

منابع و مأخذ

- ۱) قرآن کریم.
- ۲) آمدی، عبدالحسین (۱۳۶۴)، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه‌ی علی انصاری، قم.
- ۳) ابن هشام، عبدالملک (۱۴۱۰ هـ)، سیرة النبویة، قم، انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
- ۴) اصبهانی، حافظ ابونعیم احمد بن عبدالله (۱۴۰۹ هـ)، دلائل النبوة، بیروت، عالم‌الکتب.
- ۵) الامام زین العابدین (بی‌تا)، شرح رسالة الحقوق له، الجزء الاول، بی‌جا.

- ۷) جهان بزرگی، احمد (۱۳۷۸)،
- ۸) حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۷۴)، وسایل الشیعة، بی جا
- ۹) راسل، برتراند (۱۹۸۲)،
- ۱۰) سجستانی، ابی داوود سلیمان ابن اشعث (۱۳۹۴ هـ)، سنن ابی داوود، دارالفکر للطباعة و النشر.
- ۱۱) شریف القرشی، باقر (۱۹۷۸)، النظام السياسي فی الاسلام، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- ۱۲) طباطبایی، محمد حسین (۱۳۶۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه‌ی سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، مرکز نشر جامعه‌ی مدرسین.
- ۱۳) طبری، محمد بن جریر (۱۹۸۷)، تاریخ طبری، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، انتشارات اساطیر.
- ۱۴) عالم، عبدالرحمان (۱۳۶۸)، بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر امیرکبیر.
- ۱۵) غزالی، محمد (۱۳۷۸)، سیره آموزی، ترجمه‌ی علی اصغر خندان، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی
- ۱۶) مجلسی، محمد باقر (۱۴۱۰ هـ)، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء
- ۱۷) مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، سیره نبوی، قم، انتشارات صدرا.
- ۱۸) نوری، حسین (۱۴۰۷ هـ)، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- ۶) یحیی، السید نذیر (بی تا)، سیاست الانبیاء، بی جا.
- ۱۹) یعقوبی، ابن واضح (۱۴۰۰ هـ)، تاریخ یعقوبی، ترجمه‌ی محمد آیتی، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پنجم.